



شماره بیست و سه

سامیار و مادر بزرگش در راه برگشت از خرید در حال گفت و گو بودند؛ مادر بزرگ از خاطرات سفر حج برایش تعریف می کرد و می گفت: «در این سفر، ما به مسجد النبی در شهر مدینه رفتیم، چه مسجد زیبایی بود! حرم پیامبر در این مسجد قرار دارد. این شهر زادگاه بسیاری از امامان معصوم است.

بعد از مدینه به شهر مکه و مسجد الحرام، بزرگترین مسجد دنیا رفتیم. در مسجد الحرام خانه کعبه را طواف کردیم و هفت بار به دور کعبه چرخیدیم.»
نگاه سامیار به صورت عرق کرده ی مادر بزرگ افتاد. تازه متوجه ی سنگینی کیسه های داخل چرخ دستی مادر بزرگ شد.

گفت: «بخشید، باید زودتر به شما کمک می کردم.»

مادر بزرگ گفت: «نه پسر، خسته نیستم. استفاده از ماشین های ساده مثل همین چرخ دستی که از نوع چرخ و محور و اهرم نوع دوم ساخته شده، کارها را آسان کرده است. تو به خوبی یاد گرفته ای که بعضی از ماشین ها باعث می شوند ما نیروی کمتری برای انجام کارهایمان صرف کنیم. البته استفاده از سطح شیب دار در خیابان ها و معابر هم در راحت کشیدن چرخ دستی بر روی زمین، بدون بلند کردن بی تأثیر نیست.»